

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

احادیث خواندنی، فدای دیدنی!

۲۰ مهر ۱۳۹۰

۱۴ ذی القعدة ۱۴۳۲

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله تبارك وتعالى :

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴾^(۱) .

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و همراه با صادقان باشید .

چکیده‌ی سخن

در جلسات گذشته ، در توضیح معنای واژه‌ی « صادقین » ، بیان شد که اولین معیار برای شناخت انسان صادق ، ایمان به پروردگار است . برای رسیدن به این ایمان نیز ، لازم است ابتدا خداوند شناخته شود ؛ زیرا ایمان و باور به پروردگار ، فرع بر معرفت و شناخت او می‌باشد . علما و بزرگان اهل سنت ، با استناد به احادیث جعلی درباره‌ی شناخت و توصیف خداوند ، عقاید فاسدشان را به پیروان خود القا کرده‌اند . آغازگر و سرچشمه‌ی این عقاید باطل ، خلیفه‌ی دوم می‌باشد ؛ زیرا در زمان خلافت وی ، احادیثی از پیامبر ﷺ جعل شده است که در زمان حیات رسول خدا ﷺ و در حکومت ابوبکر ، هرگز سابقه نداشته است . در این راستا بیان شد که علما و بزرگان اهل سنت معتقداند خداوند با چشم ظاهری قابل رؤیت می‌باشد و هنگامی که خداوند بر عرش خود قدم می‌گذارد ، عرش از سنگینی آن

با توجه به باور اکثریت علمای اهل سنت در مورد صحت تمام احادیث موجود در شش کتاب (صحاح سته) و یا اقل دو کتاب (صحیحین بخاری و مسلم) به راحتی می توان مسئله ی جسم انگاری خداوند را عقیده ی آنان دانست؛ گرچه بسیاری از برجستگان به این موضوع تصریح کرده اند.

در ادامه ی این بحث، به برخی از باورهای فاسد و شرم آور بزرگان اهل سنت در توصیف پروردگار متعال اشاره می نمایم.

الف - رؤیت خداوند در عالم خواب

علمای اهل سنت، عقیده دارند علاوه بر این دنیا و روز قیامت، در عالم رویا نیز می توان پروردگار را مشاهده کرد. اینک به بررسی روایاتی در این زمینه می پردازیم:

۱. معاذ بن جبل^(۲) می گوید:

«احتبس عننا رسول الله ﷺ ذات غداة من صلاة الصبح، حتى كدنا نترأى عين الشمس، فخرج سريعاً فثوب بالصلاة، فصلّى رسول الله وتجوّز في صلاته؛ فلما سلّم دعا بصوته، فقال لنا: علي مصافكم كما أنتم، ثم انتقل إلينا فقال: أمّا إنّي سأحدثكم ما حبسني عنكم الغداة، إنّي قمت من الليل فتوضّأتُ فصلّيت ما قدر لي، فنعستُ في صلاتي فاستثقلت، فإذا أنا بربّي تبارك وتعالى في أحسن صورة: فقال: يا محمد ﷺ! قلتُ: ربّي! لبيك! قال: فيم يختصم الملائ الأعلی؟ قلتُ: لأدري ربّ! قالها ثلاثاً. قال: فرأيته وضع كفه بين

۱. برای اطلاع بیشتر به جزوه ۱۴۴ از جزوات به سوی معرفت مراجعه نمایید.

۲. وی از قبیله ی خزرج بود و جزو اصحاب رسول خدا ﷺ به شمار می رود (تهذیب الکمال، جلد ۲۸، صفحه ۱۰۵).

۱۴۵ کتفی قدو جدتُ بردْ اَنامِلِہِ بَینِ ثَدِیِّی ، حَتَّی تَجَلَّی لَہِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآیَةَ : ﴿ وَكَذَٰلِكَ نُزِیْرِ اِبْرٰہِیْمَ مَلَکُوٰتِ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَّلَیْکُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ ﴾ (۱) « (۲) .

روزی رسول خدا ﷺ [ﷺ] برای نماز صبح تأخیر نمودند تا جایی که
نزدیک بود آفتاب طلوع کند، پس با عجله وارد مسجد گردیدند و نماز
را کوتاه به جای آوردند. سپس فرمودند: از صف‌های خود حرکت
نکنید؛ آنگاه علت تأخیر خود را چنین تشریح کردند: من دیشب بیدار
شدم، پس از آنکه وضو گرفتم و مقداری نماز خواندم بین نمازم به
خواب فرو رفتم، ناگهان خداوند را در زیباترین صورت مشاهده
کردم. فرمود: یا محمد ﷺ! گفتم: لیبیک! پروردگار من! فرمود:
ملائکہ‌های مقرب در چه مطلبی با هم منازعه می‌کنند؟ گفتم:
نمی‌دانم. خداوند سه بار این سوال را تکرار نمود. دیدم که دستش را
در کتف من گذاشت، به طوری که سرمای انگشتان‌اش را در سینه‌ام
احساس کردم. با این عمل پروردگار، تمام آنچه که در آسمان‌ها و
زمین بود برای پیامبر ﷺ تجلی یافت. سپس این آیه را تلاوت
نمودند: «این چنین، ملکوت آسمان‌ها و زمین (و حکومت مطلقه‌ی
خداوند بر آنها) را به حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ نشان دادیم تا (به آن استدلال
کند و) اهل یقین گردد».

ابن سیرین^(۳) در کتاب تعبیر خواب‌اش می‌گوید:

۱. سوره انعام، آیه ۷۵.

۲. مسند أحمد، جلد ۴، صفحه ۶۶؛ سنن ترمذی، جلد ۵، صفحه ۴۶؛ سنن دارمی، جلد ۲،
صفحه ۱۲۶؛ مجمع الزوائد، جلد ۷، صفحه ۱۷۶.

۳. وی یکی از کسانی است که در تعبیر خواب شهرت دارد و سی تن از اصحاب رسول
خدا ﷺ را درک نموده است (تهذیب الکمال، جلد ۲۵، صفحه ۳۴۴).

« من رأى ربّه في المنام ، دَخَلَ الْجَنَّةَ »^(۱) .

هر کس خدا را در خواب ببیند، وارد بهشت می شود.

۲. قاضی ابن عربی مالکی می گوید: شیخ و پیشوای علما و زاهدین؛ استاد ابواسحاق اسفرائینی نیز خدا را در خواب دید و به او گفت: پروردگارا! سی یا چهل سال است که من از تو درخواست توبه می کنم، اما هنوز دعای مرا اجابت نکرده ای. خداوند در جواب وی فرمود: یا اباسحاق! صبر کن، تو درخواست بزرگی را مسئلت نمودی؛ زیرا تو حب و دوستی ما را مسئلت کرده ای^(۲)!

۳. احمد بن حنبل می گوید:

« رأيتُ ربَّ العزّةِ في المنام ، فقلتُ : يا ربُّ ! ما أفضل ما تقرّب به المتقرّبون إليك ؟ فقال : كلامي ، يا أحمد ! فقلت : يا ربُّ ! بفهمٍ أو بغير فهمٍ ؟ قال : بفهمٍ أو بغير فهمٍ »^(۳) .

من خدا را در خواب دیدم و گفتم: خدایا! بهترین وسیله ی تقرب بندگان نسبت به تو کدام است؟ فرمود: کلام من (قرآن)، یا احمد! گفتم: با فهم یا بدون فهم (کدام بهتر است)؟ خداوند فرمود: چه بفهمی و چه نفهمی (اگر قرآن بخوانی به من تقرب حاصل می کنی).

۴. آلوسی در تفسیراش می گوید: خدا را شکرگزارم که در دوران عمرم، سه بار خدا را در خواب دیده ام که آخرین بار آن، در سال ۱۲۴۶ هـ-ق بود، او را در حالی دیدم که دور او راهاله ای از نور فرا گرفته بود و به سوی شرق متوجه بود و جملاتی نیز

۱. سنن دارمی، جلد ۲، صفحه ۱۲۷.

۲. عارضة الأحوذی، جلد ۱۲، صفحه ۱۱۷.

۳. فیض القدير، جلد ۲، صفحه ۶۷؛ التبيان في آداب حملة القرآن (النووي)، صفحه ۲۲۷؛ مناقب أحمد بن حنبل، صفحه ۳۳۴؛ طبقات شعرانی، جلد ۱، صفحه ۴۴؛ نور الأبصار، صفحه ۲۲۵.

۵. علما و محدثان اهل سنت دستورالعملی را ارائه داده‌اند که هر شخصی آن عمل را انجام دهد، خداوند را در عالم رویا می‌بیند. ابن عباس^(۲) می‌گوید:

« من صَلَّى يوم الجمعة ما بين الظهر والعصر، يقرأ في أول ركعة بفاتحة الكتاب وآية الكرسي مرّة واحدةً وخمساً وعشرين من قل أعوذ بربّ الفلق وفي ركعة الثاني يقرأ بفاتحة الكتاب وقل أعوذ بربّ الناس خمساً وعشرين مرّة، فإذا سلّم قال « لا حول ولا قوّة إلا بالله العليّ العظيم » خمسين مرّة، فلا يخرج من الدنيا حتّى يرى ربّه عزّ وجلّ في المنام ويرى مكانه في الجنّة »^(۳).

هر کس در روز جمعه، بین نماز ظهر و عصر دو رکعت نماز بجای آورد که در رکعت اول پس از حمد، یک بار آیه الكرسي و بیست و پنج مرتبه سوره‌ی « قل اعوذ بربّ الفلق » و در رکعت دوم پس از حمد، بیست و پنج مرتبه سوره‌ی « قل اعوذ بربّ الناس » را بخواند و پس از سلام پنجاه مرتبه بگوید: « لا حول ولا قوّة إلا بالله العليّ العظيم » از دنیا نمی‌رود، مگر اینکه خدا را در خواب ببیند و مکان خود را در بهشت مشاهده کند.

سیوطی^(۴) در کتاب « اللئالي المصنوعة في أحاديث الموضوعة » و ابن جوزی در

۱. روح المعانی، جلد ۹، صفحه ۴۶.

۲. وی پسر عموی رسول خدا ﷺ و اهل مدینه بوده است (تهذیب الکمال، جلد ۱۵، صفحه ۱۵۴).

۳. اللئالي المصنوعة، جلد ۱، صفحه ۵۲؛ الموضوعات (ابن جوزی)، جلد ۲، صفحه ۱۱۹.

۴. سیوطی یکی از بزرگان و علمای اهل سنت بوده و دارای تألیفات زیادی می‌باشد؛ اما به دلیل فقدان ولایت ائمه‌ی اطهار عليهم السلام، قدرت فهم و رسیدن به عمق مطالب، از وی سلب شده است.

« هذا حديث موضوع وفي أسناده مجاهيل »^(۱).

این حدیث جعلی است و در سلسله‌ی سند این حدیث، راویان ناشناخته‌ای وجود دارد.

سیوطی در اینجا روایت خداوند را نمی‌پذیرد؛ اما طبق روایتی که در جلسه‌ی قبل از کتاب دیگرش، «در المنثور» نقل شد، روایت خداوند را جایز دانسته است. بر این اساس، تناقض‌گویی در کلام چنین عالمی پدیدار می‌شود.

رویکرد علما و فقهای شیعه در قبال این گونه احادیث این است که اگر روایتی با اصول اعتقادی و عقلانی مطابقت نکند آن روایت را نمی‌پذیرند؛ اگر چه سند آن صحیح و متقن باشد؛ لذا در میان فقها، قاعده‌ای وجود دارد:

« كل ما از داد صحّة، از داد بُعداً »^(۲).

هر روایتی که سند آن صحیح‌تر باشد، درستی آن ضعیف‌تر و دورتر است.

تناقض‌گویی اهل سنت

بر اساس آنچه تاکنون از اعتقاد اهل سنت مطرح گردید، به بندگان اجازه داده شده است که پروردگار و خالق خویش را ببینند و روایات فراوانی از منابع اهل سنت دلیل بر این مطلب می‌باشد. اما در مقابل این گونه روایات، روایات دیگری از منابع اهل سنت یافت می‌شود که روایت پروردگار را نفی می‌کنند و این مطلب نشان دهنده‌ی تناقض‌گویی آشکار از سوی اهل سنت می‌باشد.

شیخ محمد عبده؛ یکی از علمای معاصر اهل سنت می‌گوید: در قرآن آیات

۱. اللئالی المصنوعة، جلد ۲، صفحه ۵۲؛ الموضوعات، جلد ۲، صفحه ۱۱۹.

۲. مفتاح الكرامة، جلد ۱۲، حاشیه صفحه ۱۲.

نفی رویت پروردگار، صریح تر از آیات اثبات رویت می باشد. خداوند متعال ۱۴۵ می فرماید:

﴿ قَالَ رَبِّ ارْنِيْ اَنْظُرُ اِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَ اِنِيْ ﴾^(۱).

حضرت موسیٰ علیہ السلام عرض کرد: پروردگارا! خودت را به من بنما که تو را بنگرم. خداوند فرمود: هرگز مرا نخواهی دید.

پروردگار متعال در آیه ای دیگر می فرماید:

﴿ لَا تُدْرِكُهُ الْاَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْاَبْصَارَ ﴾^(۲).

دیدگان او را درک نمی کنند ولی او دیدگان را درک می کند.

این دو آیه، به نفی رویت خداوند تصریح می کند؛ اما از سوی دیگر خداوند متعال می فرماید:

﴿ وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ نَّاظِرَةٌ * اِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ﴾^(۳).

آن روز، رخسار طایفه ای از شادی برافروخته و نورانی است * با چشم قلب، جمال حق را مشاهده می کنند.

واژه «ناظره» به انتظار و امید معنا شده است^(۴)؛ زیرا در آیات دیگری از قرآن کریم، ریشهی «نظر» به این معنا، استعمال شده است. خداوند سبحان می فرماید:

﴿ مَا يَنْظُرُونَ اِلَّا صَيْحَةً وَّاحِدَةً ﴾^(۵).

آنان منتظر جز یک صیحه نیستند.

در آیه ای دیگر، خداوند می فرماید:

۱. سوره اعراف، آیه ۱۴۳.
۲. سوره انعام، آیه ۱۰۳.
۳. سوره قیامه، آیات ۲۲ و ۲۳.
۴. مفردات راغب، صفحه ۵۱۸.
۵. سوره یس، آیه ۴۹.

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ﴾^(۱).

مگر جز تأویل (آیه‌های) آن، انتظاری دارند.

در آیات فوق، واژه‌ی «ینظرون» به معنای انتظار به کار رفته است. مفسرین گذشته نیز همچون مجاهد^(۲)، واژه‌ی «ناظرة» را به معنای «انتظار» استعمال کرده‌اند^(۳). شیخ محمد عبده با توجه به مطالب فوق، آیات نفی رویت پروردگار را تقویت می‌کند و دلالت آیه‌ی اثبات رویت را با توجه به آیاتی دیگر از قرآن و گفتار مفسران، تضعیف می‌کند؛ اما هنگامی که به احادیث اثبات رویت خداوند در صحاح سته برخورد می‌کند، نمی‌تواند از آن احادیث، چشم پوشی کند و در نتیجه، آیات نفی را نادیده می‌گیرد. سپس با صراحت کامل می‌گوید:

«إِنَّ فِي أَحَادِيثِ الصَّحِيحَةِ مِنَ التَّصْرِيحِ فِي إِثْبَاتِ الرَّؤْيَةِ، بَمَا لَا يُمْكِنُ الْمِرَاءُ فِيهِ»^(۴).

در مورد اثبات رویت پروردگار، احادیث آن چنان آشکار است که بر کسی، جای شک و مجادله باقی نمی‌گذارد.

در ادامه‌ی تناقض‌گویی‌های اهل سنت، به نقل دو روایت از عایشه می‌پردازیم که صریحاً رویت پروردگار را نفی می‌کنند.

یکی از راویان به نام مسروق، نقل می‌کند:

«قلت لعائشه: يا امته! هل أرى محمدًا صلى الله عليه وسلم [ربّه؟] فقالت: لقد قفت شعري ممّا قلت، أين أنت من ثلاث من حدّثكهنّ فقد كذب، من حدّثك محمدًا صلى الله عليه وسلم [رأى ربّه فقد كذب. ثمّ قرأت: ﴿لَا تُدْرِكُهُ

۱. سوره اعراف، آیه ۵۳.

۲. وی از شاگردان ابن عباس بوده است.

۳. تفسیر مجاهد بن جبر، جلد ۱، صفحه ۳۶.

۴. المنار، جلد ۹، صفحه ۱۴۴.

الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿١﴾ ﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكْتُمَ اللَّهُ الْأَوْخِيَاءَ أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ﴾ ﴿٢﴾ وَمَنْ حَدَّثَكَ أَنَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي غَدٍ، فَقَدْ كَذَبَ، ثُمَّ قَرَأَتْ: ﴿وَمَا تُدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا﴾ ﴿٣﴾ وَمَنْ حَدَّثَكَ أَنَّهُ كَتَمَ فَقَدْ كَذَبَ، ثُمَّ قَرَأَتْ: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾ ﴿٤﴾ وَلَكِنَّهُ رَأَى جِبْرَائِيلَ فِي صَوْرَتِهِ مَرَّتَيْنِ ﴿٥﴾.

به عایشه گفتم: ای مادر! آیا محمد [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ]، پروردگارش را دید؟ عایشه گفت: با سوالی که کردی، موهای بدنم سیخ شد؛ سه مطلب است که هر کس به تو گفته باشد، به تحقیق دروغ گفته است: ۱. هر کس که برای تو نقل کند که محمد [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ]، پروردگارش را دیده است، یقیناً دروغ می گوید. سپس این آیات را قرائت کرد: «دیدگان او را درک نمی کنند ولی او دیدگان را درک می کند و او لطیف و دانا است» و «وهیچ بشری را نشاید که خدا با او تکلم کند، مگر به طریق وحی و یا از وراء حجاب» ۲. هر کسی که به تو بگوید رسول خدا [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] از فردای خودش ان خبر دارند، یقیناً دروغ گوست. سپس این آیه را قرائت کرد: «کسی نمی داند که فردا چه می کند» ۳. هر کسی که به تو بگوید رسول خدا [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] چیزی را پنهان و کتمان می کردند، یقیناً دروغ می گوید. سپس این آیه را خواند: «ای فرستاده ای ما! آنچه را که از ناحیه ی پروردگار به تو نازل شده، (به مردم) برسان و اگر نکنی (نرسانی) اصلاً

۱. سوره انعام، آیه ۱۰۳.

۲. سوره شوری، آیه ۵۱.

۳. سوره لقمان، آیه ۳۴.

۴. سوره مائده، آیه ۶۷.

۵. صحیح بخاری، جلد ۶، صفحه ۵۰.

پیغام پروردگار را نرساندی و خدا تو را از (شر) مردم نگه می‌دارد» اما پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دو مرتبه جبرئیل را با صورت اصلی‌اش مشاهده نمودند.

عایشه در روایتی دیگر می‌گوید:

« مَنْ زَعَمَ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأَى رَبَّهُ ، فَقَدْ أَعْظَمَ عَلَى اللَّهِ الْفِرْيَةَ »^(۱).

هر کس گمان کند که محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پروردگارش را مشاهده کرد، بهتان بزرگی بر خداوند بسته است.

در جلسه‌ی گذشته بیان شد که علمای نامدار اهل سنت؛ همچون احمد بن حنبل و شافعی و ابن حجر؛ به رؤیت پروردگار، معتقد بودند. همچنین احمد بن حنبل مخالفین این نظریه را کافر و خارج از حدود اسلام می‌دانست^(۲). با این یادآوری، علمای اهل سنت، یا باید گفتار عایشه در نفی رویت پروردگار را بپذیرند، یا باید وی را کافر دانسته و از حدود اسلام خارج سازند. این مورد، نمونه‌ای از تناقض‌گویی بزرگان اهل سنت در باورهای دینی و اعتقادی می‌باشد و هر شخص مبتدی، با تأملی کوتاه می‌تواند این تناقض‌ها را در گفتارشان مشاهده کند.

ب - پروردگار، دارای مکان است

علمای اهل سنت، علاوه بر اینکه رؤیت پروردگار را جزو باورهای قلبی خود می‌دانند، معتقداند خداوند دارای مکان است و در گوشه‌ای از جهان هستی، سکنی گزیده است. آنها برای اثبات مدعایشان، به روایات جعلی متعددی متمسک شده‌اند. برخی از این روایات عبارت‌اند از:

۱۲ ۱. صحیح مسلم، جلد ۱، صفحه ۱۱۰.

۲. برای اطلاع بیشتر، به جزوه‌ی ۱۴۴ از جزوات به سوی معرفت مراجعه نمایید.

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَأَى بَصَاقًا فِي جِدَارِ الْقِبْلَةِ فَحَكَّهُ بِيَدِهِ، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ، فَقَالَ: إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ يَصَلِّي فَلَا يَبْصُقْ قَبْلَ وَجْهِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ قَبْلَ وَجْهِهِ إِذَا صَلَّى»^(۲).

رسول خدا ﷺ در سمت قبله‌ی دیوار مسجد، آب دهانی دیدند و آن را با دست‌شان پاک نمودند، سپس رو به مردم کرده و فرمودند: وقتی یک از شما نماز می‌خواند، رو بروی خود، آب دهان نیندازد، زیرا در موقع نماز خواندن، خداوند در مقابل او قرار می‌گیرد.

۲. قاسم بن مهران^(۳) نقل می‌کند:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَأَى نَخَامَةً فِي قِبْلَةِ الْمَسْجِدِ، فَأَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ، فَقَالَ: مَا بَالُ أَحَدِكُمْ يَقُومُ مُسْتَقْبِلَ رَبِّهِ فَيَتَنَخَّعُ أَمَامَهُ، أَيَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْتَقْبِلَ فَيَتَنَخَّعُ فِي وَجْهِهِ؟! فَإِذَا تَنَخَّعَ أَحَدُكُمْ، فَلْيَتَنَخَّعْ عَنِّ يَسَارَهُ تَحْتَ قَدَمِهِ، فَإِنَّ لَمْ يَجِدْ فَلْيَفْعَلْ هَكَذَا، وَوَصَفَ الْقَاسِمُ، فَتَفَلَّ فِي ثَوْبِهِ، ثُمَّ مَسَحَ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ»^(۴).

رسول خدا ﷺ در سمت قبله‌ی مسجد، آب دماغی دیدند، سپس رو به مردم کردند و فرمودند: چرا یکی از شما که رو بروی خدا می‌ایستد، آب دماغ رو به روی خود می‌اندازد؛ آیا شما دوست دارید کسی در مقابل شما بایستد و به صورت شما آب دماغ بیندازد؟! پس

۱. وی فرزند عمر، خلیفه‌ی دوم بود و قبل از سن بلوغ مسلمان شد (تهذیب الکمال، جلد ۱۵، صفحه ۳۲۲).

۲. صحیح بخاری، جلد ۱، صفحه ۱۰۶؛ صحیح مسلم، جلد ۲، صفحه ۷۵.

۳. قاسم بن مهران قیسی، غلام بنی قیس بن ثعلبه بود و نزد اهل سنت ثقه محسوب می‌گردد. (تهذیب الکمال، جلد ۲۳، صفحه ۴۵۳)

۴. صحیح مسلم، جلد ۲، صفحه ۷۶.

اگر یکی از شما بخواهد آب دماغ بیندازد، زیر پای چپ خود بیندازد، و اگر ممکن نشد چنین کند، قاسم (راوی حدیث) گفت: رسول خدا ﷺ دامن لباس شان را باز کردند و آب دهان را بر روی آن انداختند و دامن را روی همدیگر قرار دادند، خود راوی نیز عملاً این کار را نشان داد.

طبق این روایات، خداوند دارای مصادیق بی شماری است، زیرا در مقابل هر نمازگزاری، خدایی ایستاده است و براساس توصیه های علمای اهل سنت، نباید با ریختن آب دهان، در حال نماز، به خداوند بی احترامی کرد!
۳. ابورزین^(۱) می گوید:

«قلت: یا رسول الله ﷺ! این کان ربنا قبل أن یخلق خلقه؟ قال: کان فی غمءٍ، ماتحتہ ہواءٌ وما فوقہ ہواءٌ، ثم خلق عرشہ علی الماء»^(۲).

از رسول خدا ﷺ سؤال نمودم: خداوند پیش از آنکه موجودات عالم را خلق کند در کجا بود؟ حضرت فرمودند: در میان ابر ضخیمی بود که نه در زیر آن ابر، هوا بود و نه در بالای ابر و در عالم هیچ موجودی نبود. سپس خداوند، عرش خود را بر روی آب آفرید.

اگر بپذیریم غیر از خداوند متعال چیزی خلق نشده بود، پس این ابر ضخیم در چه زمانی به وجود آمد؟

۴. معاویة بن حکم سلمی^(۳) در باره ی سنجش ایمان کنیزانش از سوی رسول خدا ﷺ چنین نقل می کند:

۱. او ثقه و اهل کوفه بوده است (تهذیب الکمال، جلد ۲۷، صفحه ۴۷۷).

۲. مسند أحمد، جلد ۴، صفحه ۱۱؛ سنن ترمذی، جلد ۴، صفحه ۳۵۱.

۳. وی از رسول خدا ﷺ، احادیث نقل می نمود و در مدینه زندگی می کرد. (تهذیب الکمال، جلد ۲۸، صفحه ۱۷۰).

«قلت: یا رسول الله ﷺ! أفلا أعتقها؟ قال: إئتني بها، فأتيتها بها، فقال لها: أين الله؟ قالت: في السماء، قال: من أنا؟ قالت: أنت رسول الله ﷺ. قال: إعتقها فإنها مؤمنة»^(۱).

به رسول خدا ﷺ عرضه داشتیم: این کنیز را آزاد نکنم؟ حضرت فرمودند: او را به نزد من بیاور. زمانی که کنیز را در نزد رسول خدا ﷺ حاضر نمودم، از وی چنین سؤال کردند: خدا کجاست؟ کنیز جواب داد: در آسمان. سپس سؤال کردند: من کیستم؟ پاسخ داد: تو پیام آور خدا هستی. حضرت فرمودند: این کنیز را آزاد کن؛ زیرا وی دارای ایمان است.

۵. ابوهریره می گوید:

«إن رسول الله ﷺ قال: ينزل ربنا تبارك وتعالى من كل ليلة إلى السماء الدنيا، حين يبقى ثلث الليل الآخر، فيقول: من يدعوني فأستجيب له ومن يسألني فأعطيه ومن يستغفرني فأغفر له»^(۲)؟

رسول خدا ﷺ فرمودند: در ثلث آخر هر شب، خداوند به آسمان دنیا فرود می آید و می فرماید: کیست که مرا بخواند تا خواسته‌ی او را اجابت کنم؟ کیست که حاجت خود را از من بخواهد تا آنچه را که می خواهد بدهم؟ کیست که طلب آمرزش کند تا او را بیامرزم؟

شبیبه این روایت را، ابوهریره در روایتی دیگری این طور نقل می کند:

«قال رسول الله ﷺ: ينزل الله في السماء الدنيا لشر الليل أو

۱. صحیح مسلم، جلد ۲، صفحه ۷۱؛ مسند أحمد، جلد ۴، صفحه ۲۲۲؛ سنن ابی داود، جلد

۱، صفحه ۲۱۱؛ مجمع الزوائد، جلد ۴، صفحه ۲۳۹.

۲. صحیح بخاری، جلد ۲، صفحه ۴۷؛ صحیح مسلم، جلد ۲، صفحه ۱۷۵؛ مسند أحمد،

۱۵ جلد ۲، صفحه ۲۶۴؛ سنن ترمذی، جلد ۵، صفحه ۱۸۸؛ سنن دارمی، جلد ۱، صفحه

۳۴۷؛ سنن ابن ماجه، جلد ۱، صفحه ۴۳۵؛ سنن ابی داود، جلد ۱، صفحه ۲۹۶.

ثلث الليل الآخر»^(۱).

رسول خدا ﷺ فرمودند: خداوند، در بخشی از شب یا در ثلث آخر شب، به آسمان دنیا فرود می آید.

براساس این روایات جعلی است که علمای اهل سنت، خداوند را محتاج به مکان پندارند به این صورت که خداوندگاهی در آسمان و گاهی در زمین حضور پیدا می کند؛ زیرا هنگام نماز به سوی زمین فرود می آید و مقابل نمازگزاران قرار می گیرد.

ج - خداوند دارای صورت است

بزرگان اهل سنت، صورتی همچون صورت انسانی، برای خداوند ترسیم کرده اند. ابوهیره می گوید:

« عن النبي ﷺ قال: خلق الله آدم على صورته، طوله ستون ذراعاً، فلما خلقه قال: اذهب، فسلم على أولئك النفر من الملائكة جلوس، فاستمع ما يحيونك، فإنها تحيتك وتحيّة ذريّتك. فقال: السلام عليكم، فقالوا: السلام عليك ورحمة الله، فزادوه « ورحمة الله »، فكلّ من يدخل الجنّة على صورة آدم، فلم يزل الخلق ينقص بعد حتّى الآن»^(۲).

رسول خدا ﷺ فرمودند: خداوند آدم [عَلَيْهِ السَّلَام] را به صورت خود (خدا) و به طول شصت ذراع (حدوداً سی متر!) خلق نمود، سپس بر وی امر نمود که برو و به این گروه از ملائکه که نشسته اند سلام کن و

۱. صحیح مسلم، جلد ۲، صفحه ۱۷۶.

۲. صحیح بخاری، جلد ۷، صفحه ۱۲۵؛ جلد ۴، صفحه ۱۰۲؛ صحیح مسلم، جلد ۸، صفحه

۱۴۹؛ مسند أحمد، جلد ۲، صفحه ۳۱۵.

۱۴۵ بر آنچه در جواب سلام تو می گویند، گوش فراده! که همانا جواب آنان، تحیت و سلام بر تو و بر ذریه‌ی تو خواهد بود. آدم نزد ملائکه آمد و گفت: «السلام علیکم» ملائکه گفتند: «السلام علیکم ورحمة الله» و جمله‌ی «ورحمة الله» را اضافه نمودند. پس هر کس وارد بهشت شود به صورت آدم خواهد بود. انسان‌ها پس از آدم، روز به روز کوچک شدند تا به امروز به صورت فعلی رسیدند.

بن باز^(۱) در مورد این حدیث می گوید:

« رواه الإمام أحمد و البخاری و المسلم وهو حدیث صحیح و لا غرابة فی متنه ، فإن له معنیان : ۱ . إن الله لم یخلق آدم صغیراً قصیراً کالأطفال من ذریته ، ثم نما و طال حتی بلغ ستین ذراعاً ، بل جعله یوم خلقه طویلاً علی صورة نفسه النهائیة ۲ . أن الضمیر فی قوله « علی صورته » یعود علی الله .

این روایت را احمد بن حنبل و بخاری و مسلم در کتاب‌هایشان نقل کرده‌اند. این حدیث صحیح بوده و در محتوای آن اشکالی دیده نمی‌شود. برای این حدیث دو معنا وجود دارد: ۱. خداوند در ابتدا آدم را انسان کوچکی همچون کودکانی از فرزندان انسان خلق نکرد تا بعد از مدتی رشد و نمو کند و طول آن به شصت ذراع (حدوداً سی متر)

۱. وی نابینا و مفتی اهل سنت بوده که در سالیان اخیر از دنیا رفته است. مرحوم آیت الله آقای حکیم با ایشان مناظره‌ای ترتیب داده بود، بن باز برای اثبات ادعایش به ظاهر آیه‌ای تمسک کرده بود؛ اما مرحوم آقای حکیم در جواب وی گفت: مگر این آیه را نخوانده‌ای: ﴿وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ﴾؛ هر کسی که در این دنیا نابینا و کوردل باشد در آخرت نیز نابینا تر و کوردل تر می‌باشد. بن باز بعد از شنیدن این آیه، ساکت شد و چیزی نگفت.

برسد؛ بلکه خداوند در همان ابتدا آدم را به صورت نهایی اش که طول آن (شصت ذراع باشد) خلق کرد ۲. ضمیر «ه» در جمله «خلق الله آدم علی صورته» به خداوند بازمی‌گردد.

با توجه به معنای دوم از این حدیث، خداوند، آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ را به شکل خود آفریده است. وی در ادامه، دلایل خود را برای پذیرفتن معنای دوم بازگو می‌کند و می‌گوید؛ اولاً: این روایت صحیح است، ثانیاً: روایت صحیح دیگری وجود دارد که این معنا را به خوبی تأیید می‌کند. ابوهیریه می‌گوید:

« قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : [إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَةِ الرَّحْمَنِ] ^(۱) .

خداوند، انسان را به شکل خدای رحمان آفرید.

بن باز در ادامه، معنای دوم را می‌پذیرد و می‌گوید:

« وهو ظاهر السياق ولا يلزم على ذلك التشبيه » ^(۲) .

معنای دوم، با ظاهر روایت مناسب‌تر است. بنابراین، با توجه به معنای دوم، تشبیه لازم نمی‌آید.

پاسخ شبهات بن باز را در جلسه‌ی بعدی خواهیم گفت. امیدواریم خداوند، ما و نسل‌های آینده را از گزند این گفتارها و عقاید باطل مصون بدارد.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

۱۸ ۱. فتح الباری، جلد ۵، صفحه ۱۳۳؛ عمدة القاری، جلد ۱۳، صفحه ۱۱۶.
۲. فتاوی بن باز، جلد ۴، صفحه ۳۶۸.

خودآزمایی

- ① اولین معیار برای شناخت انسان صادق کدام است؟
- ② عقاید باطل اهل سنت در توصیف پروردگار، از چه زمانی آغاز شده است؟
- ③ فهرستی اجمالی از عقاید علمای اهل سنت در توصیف پروردگار را بیان کنید؟
- ④ ابن سیرین، خواب رسول خدا ﷺ را چگونه تعبیر می‌کند؟
- ⑤ دستورالعملی که علمای اهل سنت برای دیدن پروردگار در عالم رویا ارائه دادند را بیان کنید؟
- ⑥ رویکرد فقها و علمای شیعه از نظر نقل روایت چگونه است؟
- ⑦ دو آیه از آیات نفی رویت پروردگار را در قرآن بیان نمایید؟
- ⑧ آیه‌ای که از نظر اهل سنت، رویت پروردگار را اثبات می‌کند کدام است؟
- ⑨ بر اساس استعمالات اهل عرب، ریشه‌ی «نظر» به چه معناست؟
- ⑩ در مورد احادیث عایشه چه تناقضی در کلام بزرگان اهل سنت وجود دارد؟
- ⑪ اعتقاد اهل سنت در مورد مکان پروردگار چیست؟

علما و محدثان اهل سنت دستور العملی را ارائه داده اند که هر شخصی آن عمل را انجام دهد، خداوند را در عالم رویا می بیند. ابن عباس می گوید: هر کس در روز جمعه، بین نماز ظهر و عصر دو رکعت نماز بجای آورد که در رکعت اول پس از حمد، یک بار آیه الکرسی و بیست و پنج مرتبه سوره ی «قل اعوذ برب الفلق» و در رکعت دوم پس از حمد، بیست و پنج مرتبه سوره ی «قل اعوذ برب الناس» را بخواند و پس از سلام پنجاه مرتبه بگوید: «لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم» از دنیا نمی رود. مگر این که خدا را در خواب ببیند و مکان خود را در بهشت مشاهده کند. (صفحة ۱۷ زمین جزوه)

■ محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت:

ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.

■ شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.

■ در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله بشاری رحمته الله

تلفن: ۴۴۴۳۴۳-۴۴۴۳۷۷-۴۴۴۵۲۷۷ شماره: ۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir